

## مرحوم غلامحسین خان درویش

بقلم آقای احمد خواص

شرح ذیل را بخواهش ما آقای روح الله خالقی معاون اداره موسیقی کشور که خود از هنرمندان با ذوق و در ساختن و نواختن استادی ما هستند توسط آقای احمد خواص معلم هنرستان موسیقی تهیه کرده اند. ما از سایر خوانندگان محترم خواهشمندیم که اگر در باب مرحوم درویش یا استادان دیگر موسیقی در قرن اخیر اطلاعاتی دیگر و عکسهائی تاریخی دارند برای طبع در مجله یادگار ارسال دارند موجب امتنان ما و خوانندگان مجله خواهد شد.

مرحوم غلامحسین خان درویش فرزند آقا بشیر از اهالی زبدشت طالقان است. از آنجا که پدرش آشنائی مختصری بنواختن سه تار داشت او نیز از او ان طفولیت باین فن شریف عشقی تمام پیدا کرد و برای تکمیل هنر در موسیقی نظام که در آن تاریخ تحت نظر مسیو لمر ۱ فرانسوی بود داخل گردید و ابتدا بنواختن طبل کوچک مأمور شد ضمناً در خارج در خدمت استادان بزرگ عصر مثل مرحوم آقا حسینقلی (پدر آقایان علی اکبر و عبدالحسین شهنازی) و مرحوم میرزا عبد الله، تار و سه تار را هم تعلیم گرفت و ایامی چند طول نکشید که خود او به هنر نواختن شهره عصر شد و ملک منصور میرزا شجاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه او را پیش خود خواند. مرحوم درویش این دعوت را پذیرفت لیکن کمی بعد چون طبعی آزاد منش داشت و آن طبع با این وضع زندگانی نمیساخت شاهراده را ترك گفت و برای اشاعه هنر و تسامین معیشت تصمیم گرفت کلاس تعلیم تأسیس کند و چنین نیز کرد و تا زنده بود این کلاس دوام داشت و آن مرحوم اگر چه از این منبع عایدی سرشاری نداشت با عایدات آن زندگانی خود را میگذراند و هر چه از آن زیاد می آمد بی آنکه تظاهری کند آنرا صرف دستگیری از دوستان بی چیز خود میکرد.

مرحوم درویش در رشته فقر و درویشی بمرحوم صفا علی ظهیرالدوله قاجار ارادت میورزید و باصطلاح جزء اخوان صفا بود و بر اثر همین درویش مسلکی عمری را باستغنائی طبع گذراند و هنر خود را چنانکه باید و شاید محترم میداشت و هیچوقت نمیتوانست تحمل کند که کسی باین هنر شریف بنظر حقارت بنگرد و اگر چنین کسانی میدید با تمام قوی با ایشان مبارزه میکرد. مرحوم درویش هر قدر هم گرفتار عسرت



مرحوم غلامحسین خان درویش (کلیشه مجله هنرمندان)

مالی میشد هیچوقت پیش این و آن اظهار احتیاج نمی نمود و حیا نر نمیشد که هنر خود را برای گذراندن معاش خفیف و خوار کند بلکه هر وقت هم چیزی زیادتز از خرج زندگانی بدست می آورد بمستمندان و بیچارگان می بخشید و خاطر دلخستگان را از این راه خوش میکرد و خود نیز باین معامله خوش بود چنانکه در غالب مواقعی که مردم بر اثر آفتی دچار بدبختی میشدند ترتیب مجالس کنسرت میداد و با جمع عایداتی

از این راه آنها را بدون دیناری دخل و تصرف و منظور کردن حقی جهت خود صرف دستگیری ایشان میکرد مثلاً در واقعه حریق بازار طهران و غارت اورمیه بهمین نحو عمل نمود.

در خانه مرحوم درویش بروی تمام اهل ذوق باز بود و او با نهایت گرمی و محبت از واردین پذیرائی میکرد و چون آن استاد بزرگوار سرا یا ذوق بود بکل عشقی مفرط داشت و خانه کوچک او در ماه اردیبهشت نمودار بهشت بود و از هر نوع کلی در هر جا اطلاع پیدا میکرد تخم یا نهال آنرا بخانه می آورد و بدست خود پرورش میداد.

نسبت بشاگردان زیر دست خود علاقه و محبت مخصوصی میورزید و در تعلیم موسیقی برخلاف بسیاری از هنرمندان بخل و ضنت نداشت و آنچه میدانست همه را بپه تعلیم میداد و میگفت که این شاگردان در حکم فرزندان عزیز منند و از فرزند عزیز هیچ چیز را نباید دریغ داشت، این شاگردان علاوه بر هنر از مقامات اخلاقی استاد گرامی خود نیز استفاده‌های بسیار میکردند و او را در حقیقت مرئی و مرشد خود میدانستند و همین عالم مرید و مرادی باعث شد که يك دسته شاگردان با وفا و هنر دوست در زیر دست او بار آمدند و موسیقی در ایران بر اثر این عالم صفا و اخلاص مقامی جلیل پیدا کرد تا آنجا که حتی محمد حسن میرزا قاجار ولیعهد وقت نیز از مرحوم درویش خواست تا پیش او بآموختن تار بپردازد.

مرحوم درویش علاوه بر آنکه در نواختن تار استادی بیمانند بود حس ابتکار نیز داشت و از کارهای مهم او یکی اضافه کردن يك سیم سفید است بر تار باین معنی که تا عهد مرحوم درویش تار ایرانی فقط پنج سیم داشت، دو سیم سفید و دو سیم زرد و يك سیم بم، مرحوم درویش که در نواختن سه تار نیز مهارتی داشت ظاهراً از روی این ساز که در آن ایام شش سیم داشت تار را نیز دارای شش سیم کرد.

دیگر از ابتکارات مرحوم درویش ساختن قطعاتی ضربی است بنام «پیش درآمد»

و «رنک» مخصوصاً در ساختن رنگ مهارتی بسزا داشت.

درویش با این ابتکار خود توانست موسیقی ایران را تا اندازه‌ای از حالت يك نواختی بیرون آورد، میتوان گفت که نواختن دسته جمعی یعنی ارکستر از مرحوم درویش شروع شده است.



مرحوم آقا حسینقلی شهنازی (کلیشه مجله هنرمندان)

مرحوم ظهیرالدوله که خود نیز مردی با ذوق و هنرپرور بود و سازندگان و نوازندگان عصر را تشویق میکرد و در جشنها و عیدها از ایشان جماعتی را بترتیب کنسرتهایی وادار مینمود بیش از هرکس مرحوم درویش را مشوق بود و همیشه او را بر سایرین مقدم میداشت.

مرحوم درویش از وزارت فرهنگ دارای نشان علمی بود و چون در کنسرتی که بدستکاری مرحوم میرزا عباسقلیخان مترجم الممالک قریب در گراند هتل داد و وزیر مختار فرانسه نیز در آنجا حضور داشت بدرخواست وزیر مزبور دولت فرانسه نیز نشانی بآب هنرمند عطا کرد.

با تمام هنرمندی و بلندی مقام مرحوم درویش در آخر عمر چنان گرفتار تنگدستی شد که خانه مسکونی خویش را فروخت و برای پرکردن چند صفحه و گرفتن مزدی از این باس بفرنگستان نیز سفری کرد.

شعار کلاس موسیقی مرحوم درویش مدالی بود از طلا بشکل تبرزین که آن مرحوم آنرا بشاگردانی که فارغ التحصیل میشدند برسم یادگار و جایزه میداد.

مرحوم درویش در شب چهارشنبه دوّم آذر ۱۳۰۵ هجری شمسی (هجدهم جمادی الاولی ۱۳۴۵ قمری) موفقیکه بادرشکه بخانه خود میرفت باتومویلی تصادف کرد و بر اثر ضربتی که بسر او وارد آمد چنان بسختی صدمه دید که پس از چند لحظه جان سپرد و حیات این جهانی را بدرود گفت رحمة الله علیه.

جسد مرحوم درویش را درشمیران جنب مزار مرحوم ظهیرالدوله بخاك سپردند. در خانمه این مقاله مختصر لازم میدانم که مراتب تشکر خود را خدمت استاد محترم آقای موسی معروفی که از بهترین شاگردان مرحوم درویش و یادگاری گرانها از آن اسناد فقیدند برای اطلاعاتی که راجع بزندگانی مرحوم درویش بنگارنده داده اند تقدیم دارم.



درموقع طبع این مقاله اطلاع یافتیم که استاد هنرمند محترم آقای فضل الله بایگان در شماره سوم مجله هنرمندان که هنوز انتشار نیافته شرح حالی از مرحوم درویش نوشته اند چنانکه همین کار را در شماره دوم از همان مجله نسبت بمرحوم آقا حسینقلی کرده بودند. کلیشه های مندرج در این مقاله را هم ایشان مرحمت کرده اند، مجله یادگار از محبت ایشان صمیمانه سپاسگزار است. (مجله یادگار)